



## سخنرانی مریم رجوی در دومین روز اجلاس جهانی ایران آزاد ۲۰۲۴

ماشات با آخوندها خیانت به آزادی، صلح، عدالت و حقوق بشر

۱۰ تیر ۱۴۰۳

هموطنان!

شخصیتها و قانون گذاران محترم!

در دومین روز گردهم آیی ایران آزاد به همه شما درود می فرستم. این گردهمایی همزمان است با پیروزی بزرگ مردم و مقاومت ایران در تحریم نمایش انتخابات دیکتاتوری دینی توسط ۸۸ درصد دارندگان حق رأی. عزم مردم و مقاومت ایران برای سرنگونی قطعی رژیم آخوندی و آزادی ایران را نشان می دهد.

در غیبت توده مردم وقتی انتخابات مهندسی شده این رژیم در دور اول به نتیجه نمی رسد و به دور دوم می افتد، به روشنی علامت پراکندگی و تشتت و شقه در داخل رژیم و باندهای گوناگون آن است. آن چه تا همین جا برملا و ثابت شده، این است که دیوارهای حافظ نظام سوراخ سوراخ و پر از شکاف شده اند.

نتیجه دور دوم هم برای مردم ایران مبهم و بغرنج نیست. اغلب مردم می گویند خامنه ای با مهندسی شناخته شده خود یعنی کلان تقلبات و اتاق اشباحی که در وزارت کشور تحت عنوان اتاق تجمع آرا دارد، پاسدار جلیلی نماینده قبلی خودش در مذاکرات هسته ای و عضو شورای عالی امنیت رژیم را از صندوقها بیرون می کشد. هر چند که فرق چندانی بین این یکی و آن یکی نیست و عدول از آن چه خامنه ای می گوید و می خواهد برای آن یکی همچنان که خودش صریحاً گفت خط قرمز است.

## ماهیت فاجعه‌بار مماشات

اما در برابر قیام مردم ایران که در هر حال در پیش است و در کانون آن یک مقاومت سازمان‌یافته قرار گرفته و به‌سوی یک تغییر بزرگ سیاسی و اجتماعی پیش می‌رود، خامنه‌ای از یک طرف سرکوب و جنگ را حفاظ رژیم پوسیده خود کرده و از طرف دیگر از حمایت و حفاظت سیاست مماشات استفاده می‌کند.

وقتی از مماشات صحبت می‌کنیم، تجربه تاریخی سیاست اروپا با آلمان نازی تداعی می‌شود. اگر چه روند کنونی و مشخصات فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران با اوضاع جنگ جهانی دوم در اروپا تفاوت بسیار دارد، اما ماهیت فاجعه‌بار مماشات فرقی نکرده است. فاجعه‌بار به‌معنای جاده صاف کردن برای نیروهای اهریمنی تاریخ. این درواقع معنی خنجر زدن به آزادی، صلح، عدالت، مقاومت و حقوق بشر است.

در یک سال گذشته شاهد ادامه سیاست باج‌دهی دولت‌های غرب به رژیم آخوندها هستیم. درحالی که این رژیم در داخل و خارج ایران، در سرکوب، جنگ‌افروزی و تروریسم هر روز قربانی می‌گیرد.

## دموکراسی گروگانی

مسابقه مشوق‌ها به آدم‌خواران را در سوئد و بلژیک و فرانسه و آمریکا همه به‌چشم دیدند که تا کجا به بازار گروگانگیری و آدمربایی آخوندها رونق می‌دهد. این بیزنس پایان‌ناپذیر دوران خمینی و خامنه‌ای است که ۴۵ سال است، ادامه دارد و نظریه‌پردازان رژیم آن را به‌عنوان نوع جدیدی از قدرت، فراتر از قدرت اقتصادی و فنی و نظامی تئوریزه کرده‌اند. دولت‌های غربی مشتریان ثابت این نوع جدید بازار شده و به‌قول مسعود رجوی به «دموکراسی گروگانی» تنزل یافته‌اند. اما گروگان دائمی و قربانی همیشگی، در واقع مردم ایران، حقوق بشر و فرشته آزادی است.

از این جاست که همه مرزها را در امدادسانی به یک دیکتاتوری وحشی زیر پا می‌گذارند. وگرنه در باره فروختن تجهیزات و نرم‌افزار به سرکوبگران قیام‌های مردم ایران چه باید گفت؟

نفوذ آخوندها و سرویس اطلاعاتی آن‌ها در برخی پارلمان‌ها و دوایر غربی جای خود دارد، اما در مورد استخدام لابی‌ها و حامیان رژیم در برخی وزارت‌خانه‌های غربی چه باید گفت؟

این پهنادهای جنگی رژیم از کجا و چگونه ساخته شده‌اند؟ شگفتا که موتورش را شرکت‌های

اتریشی و کانادایی ساخته‌اند و به گفته نمایندگان کنگره آمریکا، حداقل، ۷۵ درصد قطعاتش از بازارهای آمریکاست و دست کم ده دانشگاه انگلیس در تحقیقات مورد نیاز آن همکاری کرده‌اند. روزگاری می‌گفتید امتیاز دادن به آخوندها برای تقویت میانه‌روهای موهوم است! حالا بگویید ببینیم آزاد کردن دیپلومات‌تروریست بمب به دست و دژخیم قتل‌عام در گوهردشت برای تقویت چه کسی است؟

زمانی می‌گفتید دارید برای اصلاح فاشیسم دینی کار می‌کنید! حالا که با پاسداران موشک به دست زدوبند می‌کنید، بگویید راستی چه کسی چه کسی را رفرم کرده است؟!

در ۴ دهه گذشته سیاستمداران غرب، هربار که امتیازی به آخوندها داده‌اند، بی‌شک در مقابل آن منافع تجاری یا دیپلماتیک معینی کسب کرده‌اند. اما وقتی این تصمیم‌ها در بوته داوری تاریخ قرار می‌گیرد، روشن می‌شود که این سیاست بر کوتاه‌نظری و منافع زودگذر استوار بوده که در نتیجه هم به مردم ایران، هم به مردم خاورمیانه و هم به صلح و امنیت جهان لطمات سنگین وارد کرده است.

۱۷ سال پیش قاضی‌القضات انگلستان در حکم نهایی خود درباره لغو برچسب تروریستی علیه مجاهدین، آن برچسب را که دولت انگلیس از آن برای به دست آوردن دل آخوندها استفاده کرد، «غیرعقلانی» توصیف کرد. توصیفی که در تمام وجوه سیاست مماشات صدق می‌کند:

راستی آیا کودتا علیه دولت ملی دکتر مصدق عقلانی بود؟ همان که راه را برای یک اختناق ۲۵ ساله و بعد از آن نازل شدن هیولای خمینی باز کرد و خسارت بسیار سنگینی به صلح در خاورمیانه وارد کرد که میلیون‌ها قربانی و میلیون‌ها آواره برجای گذاشت؟

آیا لیست‌گذاری تروریستی مجاهدین بنا به خواست دیکتاتوری دینی باجدهی به آخوندها نبود؟ دیدیم که بارها دادگاه‌ها در لوکزامبورگ، لندن، واشینگتن، پاریس، برن و برلین آن را باطل شناختند. آیا بمباران مجاهدین در عراق به سود آخوندها نبود؟ راستی این نیابتی‌های رژیم ایران که تمام منطقه را فرا گرفتند، اگر محصولات سیاست مماشات نیست؟ پس چیست؟

## دور باطل ۴ دهه سیاست مماشات

مقاومت ایران در سال ۱۳۸۱ سایت‌های هسته‌یی سری رژیم را افشا کرد. این یک نقطه عطف

فوق‌العاده بود که شرایط را برای پایان دادن به برنامه بمب‌سازی رژیم فراهم کرد. اما دولت‌های غرب با امتیاز دادن‌های مکرر، فرصت کافی در اختیار رژیم گذاشتند تا هرچه بیشتر به بمب اتمی نزدیک شود.

موضوع دیگر در این رابطه، سپاه پاسداران خامنه‌ای است. همه دولت‌ها از نقش شرارت‌بار سپاه، به‌خوبی مطلعند: با این همه سوال این است که چرا اتحادیه اروپا در تروریست نامیدن این هیولا تعلل می‌کند؟

آمریکا چرا ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های مردم ایران را به رژیم داد؟ چرا به‌قول ظریف وزیر خارجه اصلاحاتی قبلی که چند روز پیش گفت، آمریکا پیچ تحریم‌های نفتی را شل کرد و بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به جیب رژیم ریخت؟ از طرف دیگر توصیه به انگلیس برای این که سپاه پاسداران را در لیست تروریستی نگذارد و توصیه به اروپا برای نرمش در قبال برنامه هسته‌یی و ساختن بمب اتمی در ایران چرا؟ و چرا؟ راستی استراتژی این آقایان مماشاتگر چیست؟ یکی از جراید آمریکا نوشته بود «این استراتژی اگر بتوان آن را چنین نامید، این است که اجازه دهد تهران وضعیت را تشدید، تشدید و تشدید کند، و سپس مماشات، مماشات و مماشات کند!»

بله این دور باطل چهار دهه سیاست مماشات غرب با فاشیسم دینی است که باید به آن پایان داد.

### راه‌حل در مقابل استبداد دینی

حالا سوال این است که آیا تاریخ این منطقه راه دیگری جز عبور از این ورطه پرخون و آتش نداشت و ندارد؟ آیا راهی نبود که در آن آزادی و صلح نصیب خلق‌های ما شود؟ آیا در مقابل خونریزی و ویرانی استبداد دینی، راه حلی وجود ندارد؟

جواب این است که راه و راه‌حل وجود دارد. جایگزین و راه‌حل را مردم ایران ارائه کرده‌اند: یک ایران آزاد بدون شکنجه و اعدام، یک جمهوری دموکراتیک با جدایی دین از دولت، و برابری زن و مرد و خودمختاری ملیت‌های تحت ستم.

در سال ۱۳۸۵ طرح ده ماده‌یی مقاومت ایران برای یک ایران آزاد را ارائه کردیم و گفتیم:

۱- نه به ولایت فقیه. آری به حاکمیت مردم در یک جمهوری با رأی آزاد و کثرت‌گرا

۲- آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و فضای مجازی، انحلال سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، لباس شخصی‌ها، بسیج ضد مردمی، وزارت اطلاعات، شورای انقلاب فرهنگی و همه گشت‌ها و نهادهای سرکوبگر در شهر و روستا و در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و کارخانه‌ها

۳- تضمین آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، انحلال دستگاه‌های سانسور و تفتیش عقاید، دادخواهی قتل‌عام زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام  
۴- جدایی دین و دولت، آزادی ادیان و مذاهب

۵- برابری کامل زنان و مردان در حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، لغو هرگونه تبعیض، حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال، منع بهره‌کشی از زنان تحت هر عنوان

۶- دادگستری و نظام قضایی مستقل طبق معیارهای بین‌المللی مبتنی بر اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات. الغای قوانین شریعت آخوندی و بی‌دادگاه‌های انقلاب اسلامی

۷- خودمختاری و رفع ستم مضاعف از اقوام و ملیت‌های ایرانی طبق طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

۸- عدالت و فرصت‌های برابر در اشتغال و در کسب و کار و بازار آزاد برای تمام مردم ایران. احقاق حقوق کارگر و دهقان، پرستاران، کارمندان، فرهنگیان و بازنشستگان

۹- حفاظت و احیای محیط زیست قتل‌عام شده در حکومت آخوندها

۱۰- ایران غیراتمی، عاری از تسلیحات کشتار جمعی. صلح، همزیستی و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌یی

دوستان عزیز!

به نام مردم ایران که از فقر و اختناق به امان آمده‌اند و تشنه آزادی و دموکراسی‌اند، فریاد می‌زنیم: ریاکاری و منفعت‌جویی برای حفظ دیکتاتوری دینی را بس کنید!

از سد کردن راه تغییر دموکراتیک در ایران دست بردارید! بگذارید مردم ستم‌زده ما خود سرنوشت و آزادی خود را به دست بگیرند. مردم و مقاومت ما هیچ‌گاه و از هیچ طرفی در جهان نخواسته و

نمی‌خواهند که برای تغییر رژیم در ایران مداخله کنند. به گفته مسعود رجوی: «در امر سرنگونی رژیم، خلق قهرمان با فرزندان آزادی‌ستان کفایت است».

از این رو به دولت‌های غرب می‌گوییم به مسئولیت‌های بین‌المللی تعطیل‌شده خود در قبال مهم‌ترین تهدید صلح و امنیت جهان امروز، عمل کنید.

اکثریت ۳۴ مجلس قانونگذاری و بیش از ۴هزار نمایندگان منتخب مردم آمریکا، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای آمریکای لاتین، اروپا و کشورهای عربی و آفریقایی علاوه بر بسیاری از شخصیت‌های بین‌المللی و رهبران پیشین جهان، حمایت قاطع خود را از مقاومت ایران اعلام کرده‌اند.

خواسته‌های مقاومت ایران را خلاصه می‌کنم:

- سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات آخوندها را در لیست تروریستی بگذارید و عوامل و مزدوران آن‌ها را از کشورهایتان اخراج کنید.
- با یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه سردمداران رژیم اعدام و قتل‌عام اعلام موافقت کنید.
- فرار به جلو و پیشدستی خامنه‌ای و قضایه جلادان برای محاکمه غیابی ۱۰۴ تن از مجاهدین و مقاومت ایران را محکوم کنید.
- در فرصت کوتاه باقی‌مانده از دوره قطعنامه ۲۲۳۱ مکانیسم ماشه را فعال کنید.
- رژیم را به‌عنوان تهدید مبرم صلح و امنیت جهان ذیل فصل هفت منشور ملل متحد قرار دهید.
- و سرانجام، مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و نبرد جوانان شورشگر با سپاه پاسداران و اطلاعات آخوندی را به رسمیت بشناسید.